

## بررسی تاثیر سند ۲۰۳۰ بر خانواده

### با رویکرد فقه حکومتی<sup>۱</sup>

صادقی سبزواری

دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی

منصوره کریمی

طلبه سطح سه فقه و اصول جامعه الزهرا(س)

#### چکیده

اعضای سازمان ملل متحد سندی به نام «دگرگون ساختن جهان‌ما: برنامه‌ی ۲۰۳۰ برای توسعه‌ی پایدار» در جهت حل بسیاری از مشکلات در پانزده سال آینده در تاریخ ۲۰۱۵ میلادی به تصویب رسانده‌اند. کشورهای جهان به صورت اختیاری متعهد به اجرای این سند در کشور خود می‌شوند. از نگاه منتقدان این سند با به حاشیه راندن بندهای محافظت از خانواده، نادیده گرفتن موقعیت خانواده در رشد و پیشرفت جامعه و کم‌رنگ کردن نقش ارزش‌های دینی، تاثیر سویی بر پیکره خانواده و جامعه خواهد گذاشت، اجرای این سند در کشورهای اسلامی در تقابل با ارتقای دینی و اخلاقی خانواده است. شریعت اسلامی خانواده را رکن اساسی پیشرفت و مأمنی برای نهادینه‌کردن ارزش‌های اسلامی در میان افراد جامعه می‌داند. حفظ، تقویت و تعالی آن از اهم وظایف حکومت اسلامی است. نگاه اسلامی با اتکا به فقه‌حکومتی که توان ارائه الگوی پیشرفت‌اسلامی را دارد و با تکیه بر مبانی اسلامی به حل مشکلات خانواده می‌پردازد و خانواده را در مسیر رشد و تعالی راهنمایی می‌کند و جایگاه آن را در جامعه مستحکم می‌گرداند.

**واژگان کلیدی:** سند ۲۰۳۰، خانواده، فقه‌حکومتی، رشد و توسعه.

## مقدمه

نظام بین‌الملل و جهانی، به در دست داشتن مدیریت تمام جهان، بر نهادهای بین‌المللی سلطه یافته است و در قالب سازمان‌ها و برگزاری کنفرانس‌های متعدد و تهیه اسناد در آغاز هزاره سوم، فرهنگ، مذهب، ملیت حتی منابع طبیعی و انسانی کشورها را به ابزاری برای پیش برد مقاصد خود تبدیل کرده است. سند ۲۰۳۰ با نام توسعه پایدار، جهانی را ترسیم می‌کند که در برابر قدرتمندان رام و مطیع باشد و کشورها بدون ایجاد مشکل خود را در اختیار نظام سلطه قرار دهند تا مورد استثمار قرار گیرند. در این راستا مردم کشورها باید مطیع دولت‌مردان خود باشند و لازم است تعهد به هر چیز دیگری بخصوص مذهب و خانواده حذف گردد. راحت‌ترین ابزار حذف، تغییر دادن مبانی فکری حاکم بر ارزش‌هاست. اومانسیم، سکولاریسم، عقل‌گرایی، فردگرایی و لیبرالیسم به جای خدامحوری، فرجام‌خواهی، وحدت دینی و خانواده‌گرایی و حیاء و عفت می‌نشینند. در این مسیر رسانه‌های غرب‌گرا با ترویج روابط آزاد جنسی، همجنس‌بازی انسان را برده شهوت و لذت می‌کنند. انسان‌های که از مسیر مدیریت حکیمانه خداوند خارج گشته‌اند، درگیر مشکلات بارداری‌های ناخواسته، بیماری‌های مقاربتی، ایذر، تجاوزات جنسی، زنان و کودکان تنها و بی‌سرپرست، خانواده‌های از هم پاشیده و مردان بی‌تعهد می‌گردند. و نظام سرمایه‌دارای ساخته و پرداخته غرب که این وضعیت برایش بسیار مطلوب است؛ با حمایت ظاهری از تساوی حقوق زن و مرد، آزادی جنسی، کنترل بارداری، سقط جنین، طلاق توافقی و... عامل بیماری را حفظ کرده و درمان‌های سطحی برایش ارائه می‌کند تا بازار مصرف‌گرایی از کانون‌های مراقبت از کودکان گرفته تا داروهای ضد بارداری و تجهیزات سقط جنین پر رونق‌تر شود.

براساس مبانی نظام اسلامی پیوستن به اسنادی همچون ۲۰۳۰ در کشورهای اسلامی قابل قبول نیست. جنس مشکلات خانوادگی و اجتماعی در این کشورها با آنچه در کشورهای غربی وجود دارد متفاوت است. تولید الگوهای مدیریتی کارآمد و سیاست‌گذاری پویا در جهت حرکت به سوی پیشرفت، در کنار حرکت اجتماعی، اقبال جمعی و استعداد عمومی برای تکامل، مدیریت اسلامی را ممکن و کشورهای اسلامی را از اسناد بین‌المللی بحران‌زایی چون ۲۰۳۰ بی‌نیاز می‌کند. سیاست‌گذاری اسلامی با پشتوانه گفتمان فقه حکومتی می‌تواند بر این مهم فائق آید.

بررسی تأثیر سند ۲۰۳۰  
بر خانواده با رویکرد  
فقه حکومتی

اگرچه گستره مفاد سند ۲۰۳۰ مسائل زیادی از مباحث مدیریت منابع طبیعی تا انسانی را در برمی‌گیرد؛ ولی این پژوهش به بررسی بندهای که بر خانواده تاثیرگذار است می‌پردازد و نشان می‌دهد، خانواده‌ی توحیدی که اسلام به دنبال آن است از رهگذر اجرای سند ۲۰۳۰ نمی‌گذرد.

## ۱) سند ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰: اهداف توسعه پایدار با عنوان رسمی "دگرگون ساختن جهان‌ما: دستور کار

۲۰۳۰ برای توسعه پایدار": "transforming our world the ۲۰۳۰ Agenda for Sustainable Development"

دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران، متن زیر را در شرح سند ۲۰۳۰ ارائه کرده‌است. «رؤسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه‌ی نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ گرد هم آمدند و در مجمع عمومی ملل متحد، دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ را تصویب کردند. این دستورکار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، شامل ۱۷ هدف اصلی (آرمان) و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه بی‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند» (پیروژنیک، ۱۳۹۶: ۸-۹)

## ۲) خانواده

### ۲.۱. خانواده در سند ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰ به موضوع خانواده، و افزایش کارآمدی و حل معضلات آن به طور مستقیم نپرداخته است. در نگاه لیبرالیستی حاکم بر این سند مقصد حذف تمامی محدودیت‌های انسان تا جای که به آزادی دیگری صدمه‌ای نزند می‌باشد و خانواده سد راه رسیدن به این مقصود است زیرا خانواده اعضای خود را محدود به انجام تعهداتی در قبال یکدیگر می‌کند به همین سبب بسیاری از واژه‌های بکار رفته در سند در صورت اجرایی شدن اثر نامطلوبی بر خانواده دارد. خانم شارن اسلیتر<sup>۱</sup> در شرح این واژگان بیان می‌کنند:

---

۱. خانم شارن اسلیتر در «سازمان بین‌المللی دیده بان خانواده» که یک سازمان غیرانتفاعی مشورتی برای سازمان ملل متحد محسوب می‌شود، مدیر است. وی همچنین ریاست «انجمن حقوق خانواده سازمان ملل متحد» را بر عهده دارد که در امر مشاوره‌دادن به کشورهای عضو سازمان ملل متحد در خصوص موضوعاتی از قبیل زندگی، خانواده و مسائل جنسی ایفای نقش می‌کند. ایشان بنیان‌گذار و رئیس «انجمن جهانی سیاست خانواده» است که هر ساله با حضور دیپلمات‌های سازمان ملل برگزار می‌شود.

«در سند نهایی برنامه ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد، واژگان متعددی وجود دارد که عمدتاً برای پیشبرد حقوق مردان و زنان همجنس باز و دو جنسه ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. گنجاندن این واژگان در برنامه ۲۰۳۰ از طرف آمریکا، اتحادیه ی اروپا و کشورهای دیگری که نتوانستند تبصره‌هایی را برای ترویج حقوق زنان و مردان همجنس باز و دو جنسه‌ها در برنامه توسعه‌ی پایدار بگنجانند، تصادفی نیست. در واقع رهبران دولت‌ها در کشورهای توسعه یافته از جمله آمریکا اعلام کرده‌اند ترویج حقوق همجنس‌بازان زن و مرد در کشورهای دیگر از اولویت‌های سیاست خارجی آنها می‌باشد.

بخش‌های آتی، واژه‌های گنگ و تفسیرپذیری را که به طور استراتژیک در سرتاسر برنامه ۲۰۳۰ سازمان ملل گنجانده شده است، برجسته کرده و نشان می‌دهد چگونه ممکن است، آن واژه‌های گنگ و تفسیرپذیر به گونه‌ای مورد استفاده قرارگیرند که منجر به پیشبرد برنامه‌ها و شیوه‌هایی (از جمله حقوق مردان و زنان همجنس باز و دو جنس گراها، حقوق سقط جنین و آموزش جامع جنسی) شود؛ که می‌توانند بر روی خانواده تاثیر منفی بگذارد.

بررسی تأثیر سند ۲۰۳۰  
بر خانواده با رویکرد  
فقه حکومتی

**۱,۱,۲. جنسیت:** واژه Gender اغلب به جای Sex استفاده می‌شود تا جنسیت‌های مختلف شناخته شوند. اگر چه در بیشتر موارد در برنامه ۲۰۳۰ Gender به وضوح فقط به زن و مرد اشاره می‌کند اما کلمه Gender می‌تواند به مانند اسب تروا، حقوق افراد تراجنسیتی و دیگر آرمان‌های بحث برانگیز را نیز بر اساس اینکه این لغت چگونه تفسیر و مورد استفاده قرار می‌گیرد، در درون خود داشته‌باشد. کشورهای توسعه یافته و ادارات سازمان ملل که همواره در راستای پیشبرد حقوق مردان و زنان همجنس باز، دو جنس گراها و افراد تراجنسیتی تلاش می‌کنند، لغت Gender که در این برنامه آمده است را طوری تفسیر می‌کنند تا بتوانند حقوق تراجنسیتی و جنسیت‌های مختلف مانند هر کدام از ۵۰ نوع جنسیت به رسمیت شناخته شده توسط فیس بوک را به پیش برده و ترویج کنند.

واژه «تساوی جنسیتی» در سرتاسر برنامه ۲۰۳۰ مورد استفاده قرار گرفته است. به طور مثال هدف ۵-ج<sup>۱</sup> از آرمان‌های توسعه پایدار، از دولت‌ها می‌خواهد که با اتخاذ سیاست‌ها و قوانینی

---

۱. هدف ۵-ج: تقویت و اتخاذ سیاست‌های مطمئن و مناسب و همچنین وضع قوانینی با پشتوانه اجرایی لازم برای ترویج تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران در کلیه سطوح (پیروزنیک، همان)

با پشتوانه اجرایی لازم، تساوی جنسیتی را ارتقاء داده و ترویج کنند. با این وجود دولت موظف به ارتقاء و ترویج حقوق مردان و زنان همجنس‌باز، دو جنس‌گراها و افراد تراجنسیتی می‌شود. مثال‌ها و نمونه‌های آتی نشان می‌دهد که چگونه ادارات سازمان ملل و دولت‌ها هم‌اکنون جنسیت (Gender) و تساوی جنسیتی را در جهت ترویج تنوع جنسیتی و تمایلات جنسی مختلف مورد تفسیر قرار می‌دهند:

مطابق اعلان وب سایت اداره برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP)، این سازمان در حال کار بر روی پروژه شناسایی خلاء سیاست‌گذاری در تحقق آرمان شماره ۱۳ طرح «اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد» هستند و این کار را از طریق حساس کردن نمایندگان دولت و دیگر سیاست‌گذاران بر اصلاحات قانونی جنسیتی فراگیر از جمله نیازهای حقوقی و بهداشتی زنان همجنس‌باز، انجام می‌دهند از آنجا که هدف ۵.ج برنامه توسعه پایدار، خواستار وضع قوانینی با پشتوانه اجرایی لازم برای ترویج تساوی جنسیتی می‌باشد، به آسانی می‌توان فهمید چگونه ادار-ی توسعه سازمان ملل ممکن است هدف ۵.ج را طوری تفسیر کند که ترویج قوانینی با پشتوانه اجرایی لازم برای حمایت از حقوق زنان همجنس‌باز را نیز در برگیرد. یکی از مسأله‌دارترین اشارات به کلمه Gender در برنامه ۲۰۳۰، هدف ۱۷-۱۸-آ دسترسی به داده‌ها و اطلاعات به موقع و موثق در حوزه‌های مختلف مانند جنسیت است. بنابراین در نتیجه‌ی اجرای این هدف، اطلاعات و آمار جمع‌آوری شده توسط ادارات سازمان ملل و این کشورها، بر روی جمعیت زنان و مردان همجنس‌گرا، دو جنس‌گراها و افراد تراجنسیتی متمرکز شده و در آینده در پیشبرد حقوق آنها استفاده می‌شود.

**۲-۱-۲- فراگیر و شمولیت:** واژه‌های فراگیر و شمولیت (Inclusive, Inclusion) بیش از چهل بار در برنامه ۲۰۳۰ دیده می‌شود و مشخصاً پنج بار در آرمان‌ها و اهداف آمده است.

۱. آرمان ۳- تضمین یک زندگی توأم با سلامت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین. (پیروزنیک، همان).
۲. ۱۸-۱۷- افزایش حمایت از کشورهای درحال توسعه، از جمله کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه یافتگی و کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه برای ظرفیت‌سازی، درجهت افزایش چشمگیر دسترسی به داده‌ها و اطلاعات به موقع و موثق در حوزه‌های مختلف مانند: درآمد، جنسیت، سن، نژاد، قومیت، وضعیت مهاجرت، معلولیت، موقعیت جغرافیایی و سایر ویژگی‌های مختص شرایط ملی کشورها تا سال ۲۰۳۰. (همان)

اگرچه بیشتر افراد واژه فراگیر را به عنوان یک واژه مثبت تلقی می‌کنند و در برگیرندگی را برای جانماندن هیچ گروهی از توسعه می‌فهمند، اما این واژه همچنین یک لغت کلیدی است، که برای ترویج حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا، دو جنس‌گراها و تراجنسیتی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای روشن شدن این نکته مثال‌های آتی را از ادارات سازمان ملل و دیگر نهادها و سازمان‌ها ارائه می‌شود:

"GLSN" شبکه آموزشی مردان و زنان همجنس‌گرا و افراد ناهمجنس‌خواه، یک سازمان بزرگ مدافع حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا، دو جنس‌گراها و افراد تراجنسیتی در ایالات متحده می‌باشد. این سازمان دارای روزنامه‌ای با عنوان "توسعه منابع کلاسی دربرگیرنده زنان و مردان همجنس‌گرا، دو جنس‌گراها و افراد تراجنسیتی" است که بهترین اقدامات برای برنامه های آموزشی فراگیر برای همه دانش آموزان را ارائه می‌کند. درس‌ها شامل نمایش مثبت افراد همجنس‌باز دو جنس‌گراها و تراجنسیتی‌ها، تاریخ و اتفاقات مربوط به آن‌ها می‌باشد و دانش‌آموزان را در معرض برنامه‌ی آموزشی‌ای قرار می‌گیرند که دربرگیرنده زنان و مردان همجنس‌گرا، دو جنس‌گراها و افراد تراجنسیتی می‌باشد.<sup>۱</sup> شاخص دربرگیرندگی اجتماعی سال ۲۰۱۴ که توسط شورای آمریکا چاپ می‌شود می‌نویسد: «ما در برگیرندگی اجتماعی را در طیف گسترده‌ای از حقوق (همچون: مدنی، سیاسی، زنان و حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا، دو جنس‌گراها و افراد تراجنسیتی) تعریف می‌کنیم»<sup>۲</sup>

نظرات اخیر ایالات متحده بر طرح زیستگاه ۳ سازمان ملل، که در دسامبر ۲۰۱۵ منتشر شد حاوی مطالبی در مورد شهرهای دربرگیرنده و فراگیر می‌باشد. بیان می‌کند: «در برگیرندگی باید شامل نگران‌ها و نیازهای همه گروه‌ها و اقلیت‌ها فارغ از تمایلات جنسی، هویت جنسیتی و سن آن‌ها باشد.

**۳-۱-۲- آزادی‌های اساسی و بنیادین و توافقات بین المللی:** هدف ۱۰-۱۶ برنامه ۲۰۳۰ خواستار محافظت از آزادی‌های بنیادین در راستای مقررات ملی و توافقات بین المللی می‌باشد. تعدادی از ادارات و نهادهای سازمان ملل از جمله اداره کمیساریای عالی حقوق بشر و تعدادی

۱. "Developing LGBT-Inclusive Classroom Resources

۲. <http://www.americasquarterly.org/charticles/socialinclusionindex2014/overview>

از اعضای سازمان ملل ادعا می‌کنند که آزادی‌های اساسی و بنیادین، حقوق بحث برانگیز زنان و مردان گرا، دو جنس‌گراها و تراجنسیتی‌ها را در برمی‌گیرد و اظهار می‌دارند که بسیاری از توافقات و معاهدات بین‌المللی نیز از این حقوق ادعا شده حمایت می‌کند.

نمونه بارز این مسئله، سندی با عنوان «زنان و مردان همجنس‌گرا، دو جنس‌گراها، تراجنسیتی‌ها و افراد دوجنسه» می‌باشد که قسمتی از اطلاعات آن در مورد حقوق و بهداشت جنسی و باروری اداره کمیساریای عالی حقوق بشر است. این سند اظهار می‌دارد که: «وظایف قانونی دولت‌ها برای محافظت از حقوق انسانی افراد همجنس‌باز، دو جنس‌گراها، تراجنسیتی‌ها و افراد دوجنسه، به خوبی در قوانین بین‌المللی حقوق بشر پایه ریزی شده است».<sup>۱</sup>

اگر اصطلاح «حقوق بشر» به عنوان حقوق اساسی چنین اشخاصی، نظیر سایر آحاد جامعه در نظر گرفته شود، بنابراین ادعای سندی که در بالا مطرح شد اثبات می‌شود. به هر حال، این سند پا را به مراتب فراتر نهاده و به ترویج مسائل بحث برانگیز مربوط به افراد همجنس‌باز، دو جنس‌گراها و افراد تراجنسیتی می‌پردازد.

اداره کمیساریای عالی حقوق بشر همچنین مدعی است که کمیته‌های نظارت بر اجرای معاهدات حقوق بشری سازمان ملل، پنج وظیفه کلیدی و مهم برای دولت‌ها در رابطه با تمایلات جنسی و هویت جنسیتی را برجسته کرده‌اند. این وظایف ادعایی شامل: باز پس‌گیری و ملغی کردن قوانینی که همجنس‌بازی و پوشیدن لباس جنس مخالف را مجرمانه تلقی می‌کنند، ممنوع کردن تبعیض بر پایه تمایلات جنسی و هویت جنسیتی، پاسداری از آزادی بیان، تجمع صلح آمیز برای همه افراد همجنس‌باز، دو جنس‌گراها، تراجنسیتی‌ها و افراد دوجنسه می‌باشد.

**۴-۱-۲- تبعیض:** هدف ۳-۱۰ در آرمان توسعه پایدار، خواستار از بین بردن قوانین، سیاست‌ها و اقدامات تبعیض آمیز، بدون اشاره به اینکه چه نوع تبعیضی مورد نظر است،

۱. [http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Women/WRGS/SexualHealth/INFO\\_LGTG\\_WEB](http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Women/WRGS/SexualHealth/INFO_LGTG_WEB)

۲. هدف ۳-۱۰: تضمین ایجاد فرصتهای برابر برای همه و کاهش نابرابری در دستیابی به نتیجه، از جمله از طریق: از میان بردن قوانین، سیاست‌ها و اقدامات تبعیض آمیز و ترویج قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و انجام اقدامات مناسب در این رابطه. (پروژنیک، همان)

می‌باشد. این عدم اشاره به نوع تبعیض، فضایی را ایجاد می‌کند که باعث تفسیر گسترده برای رواج حقوق زنان و مردان همجنس‌باز، دوجنسه‌ها و تراجنسیتی‌ها می‌شود.

در ۲۰۱۴ سازمان کمیساریای عالی حقوق بشر، گزارش با عنوان «نقش سازمان ملل در مبارزه با تبعیض و خشونت علیه افراد به خاطر تمایلات جنسی و هویت جنسیتی» منتشر نمود. این گزارش حاوی اطلاعاتی از ۱۲ سازمان از سازمان‌های ملل متحد بود و خلاصه‌ای از اقدامات آن‌ها در مبارزه با تبعیض و خشونت بر اساس تمایلات جنسی و نیز اقدامات مرتبط آن‌ها در حمایت از همجنس‌بازان، دوجنس‌گراها، افراد تراجنسیتی و دوجنسه‌ها را در سرتاسر جهان ارائه می‌کرد.

سازمان کمیساریای عالی حقوق بشر، سپس نظرات غیر الزام‌آور کمیته‌های نظارت بر اجرای معاهدات و نیز کمپین «تولد آزاد و برابر» که متعلق به همین کمیساریا می‌باشد را به عنوان مؤید ادعاهای غلط خود ذکر می‌کند. در رابطه با «تبعیض»، سند سازمان کمیساریای عالی حقوق بشر می‌گوید: «درمان‌های تغییر جنسیت در جایی که ممکن باشند، اغلب بسیار گران است به گونه‌ای

که شخص از عهده آن بر نمی‌آید و بودجه دولتی و پوشش بیمه‌ای نیز به ندرت شامل این موارد می‌شوند.» سپس ادعا می‌کند که کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر کرده است که

«هرگونه تبعیض در دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و عوامل زمینه‌ساز بهداشت و نیز تبعیض در به دست آوردن وسائل و حق برخورداری بر اساس نژاد،... تمایلات جنسی» مشکل‌ساز است. به عبارت دیگر، سازمان کمیساریای عالی حقوق بشر، به غلط ادعا می‌کند که دولت‌ها موظف هستند تا درمان‌های تغییر جنسیت (که شامل تغییر جنسیت است) با تأمین مالی دولتی را برای افراد تراجنسیتی فراهم کنند تا به وظایف خود بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر عمل کرده باشند علاوه بر این مانیفست بسیار مناقشه‌برانگیز حقوق جنسی که به نام «اصول یوگیا کارتاتا» شناخته می‌شود و توسط نه نفر از گزارشگران ویژه سازمان ملل امضاء شده است، ادعا می‌کند که این مانیفست، منعکس‌کننده وضعیت موجود قوانین حقوق بشر در رابطه با مشکلات و مسایل تمایلات جنسی و هویت جنسیتی است. اصول «یوگیا کارتاتا» مدعی است که تبصره‌های عدالتی و ضد تبعیض در معاهدات موجود، حامی شیوه زندگی و رفتارهای افراد همجنس‌باز، دوجنس‌گراها و تراجنسیتی‌ها مثل ازدواج با همجنس، حضانت فرزند توسط زوجین همجنس‌باز، و غیره مورد استفاده است.

بررسی تأثیر سند ۲۰۳۰  
بر خانواده با رویکرد  
فقه حکومتی



۵-۱-۲- حقوق باروری: اسناد نهایی به دست آمده از کنفرانس‌های بازنگری، عبارت «حقوق باروری» در آرمان پنجم<sup>۱</sup> را شرح می‌دهد، حقوق باروری می‌تواند به گونه‌ی تفسیر شود که شامل دسترسی به سقط جنین و دسترسی افراد همجنس‌باز، دو جنس‌گراها و تراجنسیتی‌ها به تکنولوژی‌های باروری و تمهیدات استفاده از رحم جایگزین و قبولی حضانت کودکان شود.

هدف ۷-۳ آرمان توسعه پایدار خواهان «خدمات بهداشتی و درمانی در حوزه مسائل جنسی و باروری» از جمله: تنظیم خانواده، آموزش و اطلاع‌رسانی می‌باشد. اگر ترتیب کلمات را در این جمله معکوس شود هدف ۷-۲ خواهان آموزش و اطلاع‌رسانی درباره تنظیم خانواده و بهداشت جنسی و باروری می‌باشد که این دقیقاً همان چیزی است که برنامه‌های آموزش جامع جنسی مدعی فراهم کردن آن هستند. در حقیقت، سندی که ثابت می‌کند این هدف می‌تواند به گونه‌ای تفسیر شود که خواستار آموزش جامع جنسی شود، می‌توان در نتایج یک نظرسنجی فراگیر درون سازمانی، که توسط سازمان ملل بر روی برنامه‌های عملیاتی در مورد جوانان انجام شده، یافت. در سرفصلی تحت عنوان آموزش بهداشت جنسی و باروری یکی از گزینه‌ها خواستار آن شده بود تا «آموزش جامع جنسی به عنوان یک بخش اجباری در مطالب درسی مدارس ابتدایی و راهنمایی به عنوان مهمترین اقدام بر ای تضمین آموزش مؤثر بهداشت باروری و آموزش جنسی برای جوانان آورده شود».<sup>۲</sup> ۵۱/۳ درصد از شرکت‌کنندگان به این گزینه رای داده بودند.<sup>۳</sup>

آموزش جامع جنسی یک تعدی بزرگ به بهداشت و معصومیت کودکان می‌باشد. این موضوع به این خاطر است که بر خلاف آموزش جنسی سستی، آموزش جامع جنسی از مواد بی‌پرده و آشکاری استفاده می‌کند تا بی‌بندوباری و رفتارهای پر خطر جنسی را در بین کودکان به عنوان رفتارهای عادی و سالم ترویج نماید. برنامه‌های آموزش جامع جنسی تقریباً به طور وسواس گونه‌ای بر این مطلب تمرکز کرده‌اند تا به کودکان بیاموزند چگونه لذت جنسی را از راه‌های مختلف از جمله

۱. آرمان ۵-دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران. (همان)

۲. هدف ۷-۳: تضمین دسترسی جهانی به خدمات بهداشتی و درمانی در حوزه مسائل جنسی و باروری از جمله: تنظیم خانواده، آموزش و اطلاع‌رسانی و گنجاندن بهداشت باروری در برنامه‌ها و راهبردهای ملی تا سال ۲۰۳۰. (همان)

۳. <http://www.un.org/esa/socdev/unyin/documents/ReportonSWAPsurvey>.

استمنا، سکس دهانی و همجنس‌بازی، بدست آوردن. هدف نهایی «آموزش جامع جنسی» این است که هنجارهای جنسی و جنسیتی جامعه را تغییر دهد و به همین دلیل می‌توان به طور دقیق‌تر، آموزش جامع جنسی را «آموزش سقط جنین، بی‌بند و باری و آموزش حقوق زنان و مردان همجنس باز، دو جنس گراها و تراجنسیتی‌ها» نامید.

سازمان پلند پرنه هود (Planned Parenthood) یکی از بزرگترین فراهم‌کنندگان آموزش جامع جنسی است که یک سازمان چندین میلیارد دلاری می‌باشد. این سازمان از جنسی کردن کودکان از جمله از طریق فروش لوازم جلوگیری، قرص‌های ضد باروری، خدمات مشاوره‌ای جنسی، سقط جنین، تست‌های پرسود ایدز و درمان و مراقبت به کودکان بهره‌ی فراوان می‌برد. وکلای سازمان پلند پرنه هود بسیار تلاش نمودند تا آموزش جامع جنسی بتواند جزو یکی از اهداف برنامه ۲۰۳۰ باشد.

استانداردهای بهداشت جهانی در حقیقت توصیه می‌کند که به تازه متولدین تا ۴ سال استمنا

کردن و به ۴ تا ۶ ساله‌ها در مورد هنجارهای مختلف جنسی آموزش داده شود. به افراد ۶ تا ۹ ساله در مورد شیوه‌های مختلف پیش‌گیری از حاملگی و همچنین «عشق به افراد همجنس» آموزش داده شود و به افراد ۹ تا ۱۲ ساله درباره لذت استمنا و رسیدن به ارگاسم و حقوق جنسی که توسط فدراسیون بین‌المللی پلند پرنه هود تعریف شده است، آموزش داده شود. به ۱۲ تا ۱۵ ساله‌ها تمایلات جنسی و هویت جنسیتی و به افراد بالاتر از ۱۵ سال نگاه انتقادی به هنجارهای فرهنگی و مذهبی مختلف و پذیرفتن تفاوت‌های جنسی آموزش داده شود.<sup>۱</sup>

با در نظر داشتن آرمان شماره ۲۴ که خواستار «آموزش فراگیر» می‌باشد، به سادگی می‌توان فهمید که هدف ۴-۷ آرمان توسعه پایدار که خواستار آموزش حقوق بشر، تساوی جنسیتی و

بررسی تأثیر سند ۲۰۳۰  
بر خانواده با رویکرد  
فقه حکومتی

۱. [http://www.bzqa-whocc.de/fileadmin/user\\_upload/WHO\\_BZQA\\_Standards\\_English](http://www.bzqa-whocc.de/fileadmin/user_upload/WHO_BZQA_Standards_English).

۲. آرمان ۴- تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه (همان).

۳. هدف ۷-۴- تضمین اینکه همه‌ی فراگیران، به دانش و مهارت‌های لازم برای ترویج توسعه‌ی پایدار دست یابند؛ به ویژه از طریق: آموزش برای توسعه‌ی پایدار و آموزش و ترویج شیوه‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگ در تحقق توسعه‌ی پایدار تا سال ۲۰۳۰. (همان)

تنوع فرهنگی می‌باشد و همچنین هدف ۴-الف<sup>۱</sup> که خواستار امکانات آموزشی حساس به جنسیت و فراگیر می‌باشند، چگونه می‌توانند به گونه‌ای تفسیر شوند که خواستار آموزش جامع جنسی شوند. خصوصاً زمانی که برنامه‌های آموزش جامع جنسی، خود مدعی تمرکز بر روی این مفاهیم هستند.

روشن است که صندوق جمعیت سازمان ملل، هدف ۵-۶ در این برنامه درباره بهداشت جنسی و باروری و حقوق باروری را به گونه‌ای تفسیر خواهد کرد تا دربرگیرنده آموزش جامع جنسی باشد. با این حال چرا محافظت از خانواده و به رسمیت شناخته شدن نقش اساسی خانواده در توسعه علیرغم حمایت تعدادی از کشورهای عضو سازمان ملل، در برنامه ۲۰۳۰ گنجانده نشد؟ عدم گنجاندن خانواده به خاطر اصرار کشورهای حامی مردان و زنان همجنس-باز، دوجنس‌گراها و افراد تراجنسیتی در طول مذاکرات بود که معتقد بودند لغت "خانواده" باید تغییر کند و یا به گونه‌ای اصلاح شود که انواع مختلف خانواده را در بر بگیرد و آن‌ها را به رسمیت بشناسد. این کار به خاطر به رسمیت شناخته شدن خانواده‌های همجنس‌باز، دوجنس-گرا و تراجنسیتی صورت گرفت.

این نکته باعث اختلاف نظرهای بسیاری در مذاکرات برنامه ۲۰۳۰ بود و در نهایت، تنها اشاره مستقیم به خانواده به معنی سنتی آن که دارای نقش مهمی در توسعه پایدار است، در سند نهایی برنامه حذف شد» (اسلیتر، ۱۳۹۶: ۱۰-۳۹).

## ۲-۲- خانواده در اسلام

خانواده در لغت به معنای دودمان و تبار و نیز به مفهوم خویشان مرد آمده است (دهخدا، ۱۳۳۲، ۶: ۹۴۳۸). برای بیان تعریف جامعی از خانواده در اصطلاح شرعی، باید با توجه به

---

۱. هدف ۴-الف: امکانات آموزشی را به وجود آورید که نسبت به کودکان، معلولیت و جنسیت حساس باشد نسبت به کودکان، معلولیت و جنسیت تبعیض نداشته باشد و محیط یادگیری موثر، دربرگیرنده، غیر خشن و امن رابرای همه فراهم کند (همان).

۲. هدف ۵-۶: ضمانت دسترسی جهانی به بهداشت جنسی و باروری و دسترسی به حقوق باروری در راستای برنامه‌ی کاری توافق شده در جریان کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه و نیز اعلامیه و برنامه اقدام پکن و بر مبنای اسناد نهایی به دست آمده از کنفرانس‌های بازنگری برگزار شده در این ارتباط (همان).

مجموعه‌ی قواعد فقهی، حقوقی و عناوینی که موجب ارتباط اشخاص شده است و با توجه به وضعیت موجود اجتماعی و تأیید زبان عرفی به تعریفی از خانواده پرداخت. قواعد و مقررات حقوقی شامل اموری چون محرمیت، قرابت نسبی و سببی، ولایت، زوجیت، حضانت، قیمومیت و سرپرستی می‌شوند. از میان این امور رابطه‌ی زوجیت و سرپرستی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زوجیت رابطه‌ی مشروع میان دو فرد با جنس مخالف را، با رعایت ضوابط فراهم می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد که با داشتن روابط جنسی، زندگی مشترک داشته باشند؛ این عنصر سازنده محور مشروعیت روابط خانوادگی است و هسته‌ی اصلی برای تفکیک خانواده در اندیشه‌ی اسلامی از برخی نظریه‌ها محسوب می‌شود. همچنین رابطه‌ی ولایت و سرپرستی، ارتباط زن و شوهر و فرزندان را برقرار می‌کند؛ از این رو خانواده یک واحد اجتماعی، حاصل طبیعی ازدواج مشروع میان دو ناهم‌جنس، تحت اراده‌ی تکوینی و تشریحی خداوند، سعادت‌آفرین و آرامش‌زاست و منجر به تولید نسل و رابطه نسبی بین فرزندان و والدینشان می‌شود که به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل اند و سرپرستی این گروه با مرد به عنوان شوهر و پدر است (حکمت نیا، ۱۳۹۰: ۳۸).

بررسی تأثیر سند ۲۰۳۰  
بر خانواده با رویکرد  
فقه حکومتی

در نقطه مقابل سند ۲۰۳۰، در اسلام تمرکز کافی و وافی بر نظام خانوادگی و تثبیت و تحکیم آن وجود دارد، ازدواج را به عنوان یک سنت نبوی تشویق می‌کند «النکاح سنی فمن رغب عن سنی فلیس منی» (شعیری، محمد ابن محمد، جامع الاخبار: ۱۰۱) و آن را مستحب مؤکد و در مواردی واجب می‌شمرد و دیگران را فرمان می‌دهد که زمینه‌ی ازدواج افراد مجرد و عزب را فراهم آورند: «وانکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم إن یكونوا قراء یرغیبهم الله من فضله» (نور: ۳۲).

### ۳) فقه حکومتی

فقه حکومتی عهده‌دار سرپرستی جامعه اسلامی به عنوان یک کل است، در این صورت تمام احکام باید در یک شبکه و در ارتباط وثیق با یکدیگر فهم شوند. نگرش تمدنی به علوم اسلامی و توجه به این که همه اسلام، برنامه‌ای برای حکومت و اداره جامعه است، رویکرد جدیدی را بر منطق استنباط علوم اسلامی حاکم می‌کند، توجه کلان و حکومتی به علوم اسلامی موجب ظهور فقه اجتماعی در مقیاس تمدنی است (متولی امامی، ۱۳۹۴: ۲۰).

سخن از فقه‌حکومتی با وجود بالندگی نسبی فقه موجود بدین معناست که برای تبیین و اجراء احکام شرعی توسط حکومت نیازمند به تدوین قواعد یا روش‌هایی جدید و یا بازنگری در برخی قواعد و روش‌های موجود خواهیم بود. در اینجا با بیان نکاتی مقدماتی می‌توان ضرورت‌های بحث از فقه‌حکومتی را تقریب نمود:

الف: فلسفه تشکیل حکومت اسلامی، «حفظ مصالح عمومی» در راستای عبودیت و بندگی خداست «و ان اعدونی هذا صراط مستقیم» (یس: ۶۱) است و اقدامات حکومت اگر مقرون به مصلحت اجتماعی و این اهداف نباشد مشروع نیست. با این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که تقسیم‌بندی پنج‌تایی در احکام تکلیفی فردی در مقیاس حکومتی، به گونه‌ای دیگر تقسیم می‌شود. مداخله‌ی حکومت در امور مستحبیه، همچون نماز جماعت، تلاوت قرآن، و از جمله ازدواج واجب است که از آنها صیانت کند و در تحقق آن در جامعه کوشا باشد و در امور مکروه باید سیاست‌گذاری دولت به گونه‌ای باشد که مانع از گسترش شیوع امور مکروه گردد.

ب: مهم‌ترین مسئولیت حکومت که اسلامیت نظام به آن تحقق می‌یابد، زمینه‌سازی برای ارتقاء مسائل اعتقادی، اخلاقی و رفتاری جامعه‌ی اسلامی و هدایت مطالبات عمومی است. متأسفانه غلبه‌ی نگاه قشری بر ذهن برخی افراد و حاشیه‌نشینی اخلاق و معارف سبب شده است تصویری ناقص از حکومت‌اسلامی به اذهان مبادرت نماید و شان حکومت به بُعد رفتاری آن فرو کاسته شود.

ج: مصالح و مفاسد در مقیاس خرد و کلان تفاوت‌هایی دارند؛ ممکن است برخی امور در مقیاس خرد دارای مصلحت و مفسده‌ی غیر ملزومه و در مقیاس کلان دارای مصلحت و مفسده-ی ملزومه باشند. به ویژه در عصر کنونی در تدوین اسناد راهبردی و تنظیم سیاست‌ها و قوانین، اموری به مرحله‌ی تصویب و اجرا می‌رسد که مخالف هیچ‌یک از احکام شرعی شناخته شده در منابع فقهی نیست، اما خلاف جهتگیری‌ها و سیاست‌های اسلامی و خلاف مصلحت جامعه اسلامی است. موضوعات در مقیاس خرد، دارای اوصافی هستند و متناسب با آن اوصاف، احکامی به آنها تعلق می‌گیرد، اما در مقیاس کلان ممکن است اوصاف جدیدی بیابند و به تبع آن، استحقاق حکمی جدید داشته باشند. فقیه در مقام داوری باید نسبت به این مسائل داوری داشته باشد فقه حکومتی قواعد مداخله حکومت در شئون اجتماعی است و وظیفه مدیران و

حاکمان را تبیین می‌کند (زیبایی نژاد، ۱۳۹۰). بسیاری از سیاست‌های کلان مرتبط با تشکیل خانواده و ازدواج و مبارزه با طلاق و صیانت از جمعیت و رشد آن از این قبیل است.

فقه حکومتی، مشخصات و الزاماتی دارد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. در نگاه فقه حکومتی انطباق با اسلام به معنای آن است که سیاست‌ها، پیش فرض‌ها، اهداف، جهت‌گیری‌ها، روش‌ها، قالب‌ها و ساختارها هماهنگ با آموزه‌های اسلامی و در راستای اجراء و احکام اسلامی باشند.

۲. لازمه تدوین اسناد راهبردی منطبق با اسلام آن است که کارشناس اسلامی از اولین مراحل تدوین سند در کنار کارشناسان فن باشد تا از ابتدا اسناد مربوطه بر اساسی درست و هماهنگ شکل گیرد. به عنوان مثال در تدوین اسناد راهبردی در موضوع تحکیم خانواده، کارشناسان باید نظریه‌ی جنسی، نظریه‌ی جنسیتی و نظریه‌ی خانواده را با دیدگاه اسلامی تدوین کنند و به این اطمینان برسند که روح حاکم بر سند تحکیم خانواده، نظریه‌ها و مبانی مورد تأیید است. به تعبیر روشن‌تر جایگاه فقه در این تصویر، نه فقط اظهار نظر نسبت به عملکردها و قوانین بلکه مشارکت فعال در تدوین الگوها و شکل دهی به نظامات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است.

۳. در فقه حکومتی مصلحت امری صرفاً عرفی و عقلایی نیست؛ بلکه مصلحت عبارت از ترجیحات دینی است. به عبارت دیگر حق ارزش داور را به عرف نمی‌دهد. به همین دلیل فقه حکومتی به دنبال کشف قوانین استنباط مصلحت‌های مورد نظر شارع است.

۴. در شناخت مصلحت‌های مورد نظر اسلام، تمام گزاره‌های اسلامی اعم از وصفی، ارزشی و رفتاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این رو برای برنامه ریزی اجتماعی نیازمند اجتهاد در حوزه‌ی اعتقادات و اخلاق نیز می‌باشد.

۵. فقه حکومتی قواعد تطبیق و اجرا را نیز تبیین می‌نماید.

۶. فقه حکومتی علاوه بر آن که به محتوا حساسیت نشان می‌دهد به قالب‌ها و شیوه‌های اجرا نیز حساس است.

۷. برخلاف احکام فردی که معمولاً از ثبات برخوردارند، احکام ناظر به حکومت در مرحله‌ی اجرا، به دلیل تغییر مستمر شرایط و سعه‌ی صدر عمومی، تحول پذیرند. همین موضوع، تعامل میان فقیه و کارشناسان را در تعیین مصلحت اجرایی دوچندان می‌کند.

۸ برخی از قواعد حاکم بر فقه حکومتی ممکن است متفاوت از قواعد فقه فردی باشد. به عنوان مثال از لزوم احراز مصلحت در تصرفات حکومت می توان دریافت که در فقه حکومتی اصالت با منع است<sup>۱۰</sup> (به عنوان مثال رک: زیبایی نژاد، ۱۳۹۰).

#### ۴) رویکرد فقه حکومتی در مواجهه با سند ۲۰۳۰

در تحلیل اسناد جهانی، من جمله سند ۲۰۳۰، فهم گزاره‌ای، ناقص است. سند ۲۰۳۰ برنامه‌ای در سطح توسعه کلان می‌باشد. در بحث خانواده چه بسا ممکن است گفته شود اگر سند ۲۰۳۰ از منظر فقه فردی و به صورت سلولی به آن نگریسته شود؛ این سند تعارضی با احکام مختلف خانواده ندارد زیرا همین که به صورت مشخص به بحث خانواده پرداخته نشده است برای عدم تعارض کفایت می‌کند. در صورتی که این سند برای جامعه‌ای نگاشته شده است که برای رسیدن به ایدئولوژی خود، با حذف جنسیت و حرکت به سمت شهروند جهانی در یک فرایند قانون‌گذاری، خانواده حذف می‌شود.

در فرایند توسعه غربی وجود خانواده ضرورتی ندارد زیرا لیبرالیسم ندای آزادی انسان و حکومت انسان بجای حاکمیت خداوند است. حاکمیت انسان یعنی آزادی او در استفاده از بدنش (حق تسلط بر بدن) و طبیعت و بقیه امکانات مادی قانون‌گذار فقط می‌تواند استفاده از این حق را بهینه کند اما نمی‌تواند آن را محدود کند. در سند ۲۰۳۰ وقتی صحبت از حقوق سلامت و باروری می‌شود شامل روش‌های جلوگیری از بارداری و بیماری‌های مقاربتی و تسهیل روند سقط جنین است زیرا این موارد تضمین‌کننده شرایط آزادی روابط جنسی است و کمک می‌کنند بیشترین امکانات را برای روابط آزاد ایجادکنند؛ بدون آنکه دغدغه‌ای غیر از لذت جنسی آن را تحت شعاع قرار دهد و اگر فرزندی هم از این روابط ایجاد شد در صورت نگهداری تا زمان تولد، نیازی به داشتن پدر و مادر برای حمایت‌های پس از تولد وجود ندارد زیرا مراکز نگهداری از کودکان این نقش را ایفا خواهند کرد و کفایت این شخص به یک شهروند مصلح اجتماعی تبدیل شود و از ابتدا در دستگاه تولید سود نقش ایفا کند و این اشخاص هدفی غیر از تولید ثروت بیشتر بر عهده ندارد.

در حالی که مبنای اسلام در رشد و پیشرفت جامعه قرب و پرستش خداوند و عبودیت جامعه است، مالک آدمی خداوند است و اختیارات انسان بر بدن و طبیعت و امکاناتش در

چارچوبی که خداوند اجازه داده است، قابل اعمال است. مسیر پرورش انسان ها هم توسط خداوند مشخص شده است. در این مسیر اول خانواده، در مرحله بعد خویشاوندان و در مرحله آخر نظام اجتماعی و سیاسی و حاکم شرع نسبت به پرورش و سعادت فرزندان مسئول هستند. هر کدام وظیفه‌ای دارند و در صورت سهل‌انگاری مواخذه می‌شوند. محیط مورد نیاز برای رشد الهی توسط حکومت باید به تکامل تمام ابعاد انسان بینجامد. روابط اعضای خانواده و اجتماع برای به کمال رساندن آن‌ها تنظیم شود. پس اعضای جامعه در چارچوب مقررات شرعی موظف به رعایت برنامه الهی هستند تا انسانی در تراز خلیفه الهی پرورش دهند.

در دین اسلام حکومت اسلامی موظف است، از بنیان خانواده حمایت کند و ناظری بر اجرای قوانین اسلام باشد. در شریعت اسلامی هر کس در نسبت خود با دیگری اگر حقی دارد، در مقابل باید تکلیفی متقابل را انجام دهد و اگر افراد از انجام تکالیف خود سر باز زنند، حاکم شرع ورود پیدا کرده و از متضرر شدن دیگران و ضایع شدن حقشان جلوگیری می‌کند امیر المؤمنین (ع) در رابطه با

حقوق مردم و نظام سیاسی، در تبیین رابطه امام و امت و حقوق طرفین می‌فرماید: «إِنَّهَا النَّاسُ إِنْ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ؛ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا. وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلُوفَاءُ بِالتَّبِيعَةِ وَ التَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُكُمْ»<sup>۱</sup> (البلغة: خطبه ۳۴) امام و حاکم اسلامی باید برای مردم خیر خواهی و نصیحت کند، حقوق و دارائی آنها را از حیف و میل جلوگیری کند، آنها را از جهالت برهاند و در تربیت ایشان کوشا باشد مراد از تعلیم و تربیت در این خطبه براساس موازین شرعی و مقررات فقهی می‌باشد.

ازسوی دیگر خداوند برای تقویت بنیان خانواده و حفظ کيان آن در برخی موارد اداره امور یا ولایت جامعه و اشخاص را به شخص دارای صلاحیت واگذار کرده است مثل ولایت پدر بر فرزند، ولایت قیم بر یتیم و ولایت امام و حاکم شرع بر جامعه؛ این بدین معنا نیست که، اسلام آزادی‌های افراد را محدود کرده و حق انتخاب مطلق را از آن‌ها سلب نموده است، بلکه این احکام یک مصلحت‌سنجی به نفع خود آن فرد است. البته واگذاری این اختیار مطلق نیست و با قیودی همراه است. ولی نمی‌تواند تصمیمی بر خلاف مصالح مولی علیه بگیرد. در صورتی که حاکم شرع تشخیص دهد کسی مثل قیم که ولایت دیگری را بر عهده دارد در پوشش این عنوان حق آن

بررسی تأثیر سند ۲۰۳۰  
بر خانواده با رویکرد  
فقه حکومتی



شخص را تضييع می‌کند، حق تصرف داشته و او را خلع ید می‌کند و با استفاده از اهرم حکومتی، خود حضانت و ولایت شخص را بر عهده می‌گیرد یا به افراد ذی‌صلاح واگذار می‌کند.<sup>۱</sup>

حفظ منافع اعضای خانواده توسط امام مسلمین، نوع ورود حکومت اسلامی در این موارد خاص، با آنچه ۲۰۳۰ سند بیان می‌کند، متفاوت است. در حکومت اسلامی خانواده کانون محوری تربیت فرزند به شمار می‌رود و تا جایی که ممکن است، سعی می‌شود این ساختار متلاشی نشود، مبعوض ترین چیز در نزد خداوند طلاق است «ما أحل الله شيئاً أبغض إليه من الطلاق» (سنن ابی داوود، کتاب الطلاق، ح ۱۸۶۳) و فرزند در خارج از کانون گرم خانواده زندگی نکند.

با این پیش فرض تا جایی که امکان سرپرستی پدر و مادر و سایر افراد تعریف شده در شریعت، به عنوان افراد ذی‌صلاح در اداره‌ی امور فرزند، وجود داشته باشد، از واگذاری فرزندان به سازمان‌های حمایتی خودداری می‌شود.

حکومت اسلامی توان خود را معطوف به ارتقای کیفیت سرپرست با آموزش‌های لازم می‌کند، مگر این که شرایطی پیش آید که قابل اصلاح نباشد و بر خلاف مصالح فرزند در چارچوب شریعت باشد، که در این صورت حکومت ورود حقوقی می‌کند. در این شرایط انسان‌ها منافعشان توسط حکومت حفظ می‌شود و این حکومت از فروپاشی خانواده جلوگیری می‌کند.

## ۵) رابطه خانواده با حکومت دینی

در حکومت اسلامی براساس مبانی فقه حکومتی، خانواده یکی از بسترهای مهمی است که ارزش‌های الهی را در اعضای خود تعمیق می‌بخشد و سپس به سطح جامعه سرازیر می‌کند. فرهنگ دینی اجرا شده در خانواده نقش موثری در اشاعه‌ی اجتماعی آن ایفا می‌کنند. و بر سرمایه‌ی اجتماعی می‌افزاید.

۱. مسأله ۱۶: «در ولایت اولیایی که ذکر شد معتبر است بلوغ عقل و حریت و اسلام. پدر و جد اگر هر دو فاسد العقل شوند ولایت ندارند و اگر یک کدام فاسد العقل باشد ولایت با دیگری است. و هم چنین پدر کافر ولایت ندارد بر فرزند خود که مسلم باشد و اگر جدش مسلم باشد ولایتش با اوست و اگر او نیز کافر باشد ولایتش با حاکم شرع است و لکن کافر ولایت دارد بر فرزند کافر خود بنا بر اقوی» (محدث قمی، ۱۴۲۳: ۳۱۵).

۲. «در جامعه‌ی ایران دولت به لحاظ سیاسی و خانواده به لحاظ اجتماعی و دین به لحاظ فرهنگی نقش مرکزی دارند» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۵۷).

خانواده در مسیر ظرفیت سازی به خصوص برای نظام اسلامی کارکرد مهم دیگری نیز دارد که از طریق تربیت دینی اعضا فراهم می‌شود. کوشش خانواده برای تربیت نسل مومن و در عین حال حساس به مسائل و دوست‌دار ولایت امر جامعه و امام المسلمین و نظام امامت است این کارکرد علاوه بر آنکه تعادل جمعیتی را به سود مومنان تغییر می‌دهد به طرز منحصر به فردی، بر مدافعان حکومت دینی می‌افزاید. پدید آمدن نسلی متخلق و منضبط که دغدغه کارآمدی حکومت دینی داشته باشند و باعث پیشرفت کشور در عینیت نظام اسلامی مبتنی به بر اندیشه‌ی امامت و ولایت خواهند شد. و این نسل مومن متعهد زمینه ساز تمدن اسلامی خواهند بود.

انسان و پیرو آن خانواده نظام معنایی خود را از منابعی دریافت می‌کند. هر چقدر که آن منابع برای خانواده قداست بیشتری داشته باشد، خانواده در حفظ نظام معنایی تولید شده مقاومت بیشتری می‌کند. اگر خانواده نظام معنایی خود را از دین گرفته باشد و مفاهیم دینی خود را از مرجع ذی صلاح دینی دریافت کند، قداست معانی به پایداری بیشتر آن‌ها می‌انجامد.

دین یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز است که می‌تواند مقاومت ایجاد کند و هویت دینی یکی از معنابخش‌ترین هویت‌هایی است که بخشی از آن در رویارویی و تضاد با ارزش‌های جهانی شدن پیدا می‌شود (مانوئل، ۱۳۸۰). خانواده‌ای که متوجه موقعیت رو به تحول خود باشد و بر حفظ ارزش‌های خود اصرار داشته باشد، می‌تواند مطالبه‌گرانه بر محیط اجتماعی و ساختارهای سیاسی اثر بگذارد. در واقع، خانواده قدرت دارد که انحنای دولت یا نظام‌های اجتماعی - سیاسی را در زمینه‌ی ارزش‌های پایدار و ذاتی راست نماید.

اگر برای خانواده عفت عمومی، غیرت‌ورزی، قناعت، ارزش‌های اجتماعی مثل جمع‌گرایی، دلسوزی، عدالت... مهم باشد می‌تواند اعتراض اجتماعی و شبکه‌ای را در راستای حفظ این ارزش‌ها شکل دهد (علاسوند، ۱۳۹۱: ۱۱۵۸)

## ۶) الگوی ارتباطی حکومت اسلامی با خانواده

حکومت اسلامی برای مدیریت نهاد خانواده می‌تواند از الگوهای مشخصی بهره بگیرد که چارچوب این الگوها توسط فقه حکومتی و در یک رویکرد کل‌نگر می‌تواند به دست می‌آید. شیوه‌هایی که حکومت در حیطه اجرا به کار می‌گیرد می‌تواند به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم تقسیم شود:

۱،۶. شیوه غیر مستقیم: در این شیوه حکومت به صورت نامشهود، خانواده را به عنوان عضو فعال برای ساختن جامعه‌ای پویا و خلاق تقویت کرده و به کار می‌گیرد. محوریت خانواده مقتضی آن است که سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌های کلان همواره نسبت خود را با خانواده معلوم نمایند و معین کنند که چه اصلی از اصول مربوط به خانواده در اصول و چه هدفی از اهداف خانواده در میان برنامه‌های آن‌ها قرار می‌گیرد. همچنان که در آسیب‌شناسی و برآورد نتایج هر طرح، برنامه و سند باید خانواده را به حساب آورده، آثار و پیامدها را بر خانواده مورد سنجش قرار دهند. زیرا در مدرن‌سازی شیوه‌های حکومتی که فرد موضوع اصلی در آن‌هاست، به آرامی سعادت خانوادگی تضعیف می‌گردد. (علاسوند، ۱۱۷۰: ۱۳۹۱-۱۱۵۹) به این منظور حکومت امور ذیل را انجام می‌دهد:

**الف: اقتدار بخشی به خانواده:** اگر حکومت بخواهد از ظرفیت‌سازی خانواده برای منافع ملی استفاده کند و سطح فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه را با استفاده از فرایند جامعه‌پذیری که در نهاد خانواده رخ می‌دهد ارتقا دهد، می‌بایست خانواده پیشاپیش قدرتمند و تاثیرگذار باشد. بدیهی است که مفهوم اقتدار با نظارت مرتبط است (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۵۵۵) و هر چه نظارت مردان بر خانواده و زنان در سازمان داخلی خانواده کاهش یابد، از اقتدار سلسله مراتبی آنان در خانواده نیز کاسته می‌شود. در این شرایط نه فقط نقش‌های جنسیتی زوجین نسبت به یکدیگر بلکه نقش‌های جنسیتی آن‌ها درباره‌ی والدگری نیز دست‌خوش تحولاتی نه چندان مطلوب می‌شود. اقتدار بخشی به خانواده در قالب واگذاری مسئولیت‌های ذاتی خانواده به خودش و مطالبه‌ی مسئولیت‌ها و نتایج آن تحقق می‌یابد. خانواده به حسب ذات خود را دارای این رسالت‌ها می‌داند ولی نظام‌های اجتماعی در روند مدرن‌سازی، این مسئولیت‌ها را از خانواده سلب کرده و خود به عهده گرفته‌اند. در این راستا، عقلانیت نقش بی‌بدیل خانواده در این باره مورد چالش قرار گرفته است.

مهم‌ترین جنبه برای بازگشت به اقتدار خانواده، مرجعیت اخلاقی و آموزشی خانواده برای اعضا، صاحب اختیاری آن و ضرورت پاسخ‌گویی اعضا به کانون‌های اراده‌ی خانواده یعنی والدین و مدیریت آن است. همچنین احیای اصول اسلامی در الگوی خانواده مطلوب که در چهارچوب احترام به بزرگتر و رحم بر کوچکتر شکل می‌گیرد، می‌تواند این اقتدار را باز تولید کند.

**ب: حمایت از والدگری و همسری:** احکام اسلام در رابطه با نفقه منجر به استحکام بنای خانواده و ایجاد حس مسؤولیت در والدین نسبت به فرزندان می‌گردد و از فروپاشی آن جلوگیری می‌کند. در اسلام تأمین اقتصاد خانواده بر عهده‌ی مردان می‌باشد و زنان حتی در صورت ثروتمند بودن و فقر زوج، عهده‌دار نفقه‌ی خانواده نمی‌شوند. در صورت عدم پرداخت نفقه توسط مرد، وظیفه ولی مرد است که نفقه را بپردازد و در زمانی که ولی او نیز توان پرداخت نداشته باشد بر عهده امام و حاکم شرع قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> حکمت برداشتن فشار مالی از دوش زنان، حفظ روحیه لطیف و شاداب آنان برای داشتن زندگی آرام الهی در کنار بقیه اعضا و عدم اتکای اقتصاد خانواده‌ی اسلامی بر شغل زن است؛ تا هر زمان که اراده کند، سبب بارداری، تربیت فرزندان یا ضعف قوای بدنی و... بتواند کار خود را رها کند و خانواده دچار مشکل نگردد. برنامه اقتصادی اسلام از مهریه، نفقه، تارث و غیره به گونه‌ای تدوین گشته که خانواده رکن اساسی مناسبات هر کدام می‌باشد. چارچوبی که با تأمین امنیت مالی اعضای خانواده بستر تعالی آنها را بدون دغدغه‌های مالی و رقابت در میدان سودآوری و کسب شغل به سمت قرب الهی رهنمون کرده است.

بررسی تأثیر سند ۲۰۳۰  
بر خانواده با رویکرد  
فقه حکومتی

در نظام اسلامی پدر مسؤولیت تأمین اقتصادی خانواده و هدایت اخلاقی را بر عهده دارد به همین سبب باید از امکانات و توان بالفعل ایفای نقش نیز برخوردار باشد. نوسانات اقتصادی و وضعیت کاهنده در شغل‌های کم درآمد، ایفای این نقش را برای پدران توان فرسا می‌کند. بسیار واضح است که در شرایط فعلی این امر در دامن زدن به عدم تمکین اعضای خانواده از اوامر پدر تا چه میزان تأثیرگذار است. همچنان که ارتقای آگاهی‌های پدران درباره‌ی موضوعات دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی به نقش تعلیمی پدران کمک می‌رساند (علاسوند، ۱۳۹۱: ۱۱۵۹) مادران نیز، نیازمند حمایت‌های تامینی، تشویقی هستند تا از اجرای نقش خود باز نمانند. نگرانی درباره‌ی آینده، تحقیر نقش‌های خانگی، فقدان آموزش‌های روزآمد برای ایفای نقش مادری در عصر کنونی، مادران را در این باره ناتوان می‌سازد. از سوی دیگر از مشکلات جامعه-ی ایرانی ضعف آگاهی بخشی بجا و به موقع درباره‌ی نقش همسری است. وقتی همسران از

۱. مسأله ۲۴۱۶: زنی که از شوهر اطاعت می‌کند اگر مطالبه‌ی خرجی کند و شوهر ندهد، می‌تواند جهت الزام شوهر به پرداخت نفقه به حاکم شرع مراجعه کند. (توضیح المسائل امام خمینی ره)

روابط متنوع خود با یکدیگر احساس بسندگی نداشته باشند، پیامدهای آن به سطح جامعه سر ریز می‌گردد. بنابراین، آگاهی بخشی و مهارت افزایی در این باره از انفجار عواطف و نیازهای سرکوب شده جلوگیری می‌کند.

**ج. حمایت از فرزندآوری:** تحدید نسل در مقیاس خرد غالباً با عنوان «تنظیم خانواده» و در مقیاس کلان با عنوان «کنترل جمعیت» مورد بحث قرار می‌گیرد. فقیه از نگاه فقه فردی در بحث از تنظیم خانواده در این فرض که انتخاب روش پیشگیری مستلزم حرام نباشد، آن را امری مباح (بالمعنی الاعم) می‌داند؛ اما از آنجا که از نگاه فقه حکومتی، کنترل جمعیت در مقیاس کلان دارای پیامدهای مختلف سیاسی امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، اخلاقی و حتی اعتقادی است لذا مسئله متفاوت خواهد بود و فقیه می‌تواند حکم به ممنوعیت برنامه‌های کنترل جمعیت دهد. از نگاه فقه فردی اسلام بر محبوبیت ازدواج تأکید کرده اما آن را به عنوان حکم «اولی» بر فرد واجب نکرده است. اگر فردی تمایل به ازدواج نداشته باشد و یا رویه‌ای را پیش گیرد که تمایلش به ازدواج کاهش یابد مرتکب حرام نشده است؛ اما از نگاه فقه حکومتی اگر سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و الگوهای پیشرفت در مقیاس کلان به کاهش انگیزه‌های ازدواج و تقویت تجرد زیستی در جوانان منجر شود، آیا باز هم می‌توان گفت حکومت، امری صرفاً مرجوح انجام داده است؟ (رک زیبایی نژاد، ۱۳۹۰) از نگاه فقه حکومتی باید برنامه‌ها و سیاستها به رشد و پویایی کمی و کیفی ازدواج بیانجامد و این تکلیف حکومت است که مجرد ها را سامان دهد و برنامه‌های ازدواج آسان را در جامعه رونق دهد و چه بسا به خاطر خطاب «وانکحوا الایامی منکم» و امثال آن به حکومت هم فرمان دهد که نقش آفرینی مثبت در این جهت را بدوش بگیرد.

تشویق زنان به تحصیل در الگوی غربی و اصل شدن تحصیل بجای وظایف موجب بالا رفتن ده ساله سن ازدواج می‌شود در این مدت جوانان برای تامین گزینه جنسی به دوست‌یابی - های غربی روی می‌آورند زیرا بستر تامین این غرایز در خانواده برایشان مهیا نیست اگر ازدواجی هم اتفاق بیفتد خانواده‌ای تابع اشتغال است و اصل در آن لذت است نه تربیت توصیه به فرزندآوری برای افزایش جمعیت کافی نیست، باید بسته‌های حمایتی کارآمدی ایجاد گردد تا خانواده‌ها به داشتن فرزندان بیشتر گرایش پیدا کنند زیرا در شرایط فعلی داشتن فرزند بیشتر، با

کاهش رفاه، خانه نشینی زنان، افزایش هزینه‌های خانواده همراه است. زنان تحصیل کرده که خانه داری در چشمشان کوچک جلوه کرده و هویت خود را در کار خارج از خانه تعریف کرده‌اند با صرف وقت خود در تربیت فرزندان احساس تحقیر و پوچی می‌کنند؛ زیرا حس می‌کنند در جای که برای آن تلاش کردند و وقت صرف کرده‌اند به کار گرفته نشده‌اند و در زمینه‌ای کار می‌کنند که هر فرد بی سواد از عهده‌ی آن فائق است. زنان در خانواده نیاز به آموزش‌های دارند تا بتوانند از بسترهای که در آن‌ها نقش ایفا می‌کنند در جهت تکامل خود و افراد تحت تأثیر خود استفاده کنند و با احساس پوچیشان مبارزه کرده و خود را به فرد مفیدی برای پیشرفت جامعه اسلام تبدیل کنند.

**ه: کاهش ساعات اشتغال زنان:** ضرورت خودکفایی زنان در حوزه‌ی نیازهای اجتماعی خویش بخصوص آموزش، بهداشت، درمان، تربیت،... در کنار اشتغال خانگی آنان ایجاب می‌کند تا میزان ساعات رسمی اشتغال اجتماعی زنان به یک سوم مردان تقلیل یابد تا زنان بتوانند دو نقش همسری و مادری به خوبی ایفا کنند. و الا با توجه به ضرورت پاسخ متعادل اعضای خانواده به مجموعه‌ی نیازهای مادی و معنوی یکدیگر، یکسان بودن ساعات اشتغال زنان با مردان به کاهش اثربخشی و کارایی متناسب و موزون تمام افراد خانواده در سازمان خانواده و فعالیت‌های اجتماعی و بهم خوردن تعادل روانی آنان منجر خواهد شد (نقی پورفر، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۳۴).

## ۶.۲. شیوه‌ی مستقیم

**الف: اتخاذ نگاه غیرانضمامی به خانواده:** براساس مبنای فقه حکومتی اسناد بالادستی، سندهای چشم‌انداز و برنامه‌های عمل ملی به طور معین باید خانواده‌گرا باشند. خانواده با نگاه انضمامی در رویکردهای مختلف دولت مردان و کارگزاران مطالعه و ملاحظه نشود. محوریت خانواده مقتضی آن است که سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌های کلان همواره نسبت خود را با خانواده معلوم نموده، معین کنند چه اصلی از اصول مربوط به خانواده در اصول و چه اهدافی از اهداف خانواده در اهداف آن‌ها قرار می‌گیرد. همچنان که در آسیب شناسی و برآورد نتایج هر طرح، برنامه و سند باید خانواده را به حساب آورده، آثار و پیامدها را بر خانواده مورد سنجش قرار دهند. زیرا مدرن‌سازی شیوه‌های حکومتی که فرد موضوع اصلی در آن‌هاست، به آرامی سعادت خانوادگی تضعیف می‌گردد. (علاسوند، ۱۳۹۱، صص ۱۱۷۰-۱۱۵۹) در حالی که در

رویکرد فقه حکومتی که به جای فرد به ما هو فرد، فرد به عنوان یک عضو خانواده را در نظر می‌گیرد، تمام برنامه‌ها در جهت ارتقای جایگاه خانواده قرار می‌گیرد. در ۲۵ سال اخیر تغییراتی در قوانین مدنی به منظور استیفای حقوق زنان انجام شده است که هر یک از این موارد در جای خود دارای پشتوانه‌ی فقهی است؛ اما در نگاه درجه دوم، مشاهده می‌شود که تحولات قانون مدنی در دو دهه‌ی اخیر به سمت عرفی شدن و کاهش فاصله با حقوق مدرن و گفتمان بین‌المللی حاکم بر حقوق است. (زیبایی نژاد، ۱۳۹۰)

**ب: حمایت از خانواده توسط نهادهای هنجار ساز حکومتی:** در میان نهادهای دولتی آموزش و پرورش و رسانه‌ی دولتی سهم بیشتری در همیاری خانواده بر عهده دارند. اما در هیچ یک از اسناد این نهادها به جز فروع کلی، راهبردهای معینی معطوف به خانواده وجود ندارد ولی فقه با رویکرد حکومتی توان تدوین این چارچوب‌ها را دارد. آموزش پرورش می‌تواند با برنامه‌های مختلف به غنی‌سازی رفتار خانواده کمک کند و در نسل جدید فرهیختگی ایجاد کند. در حال حاضر پیشرفت دانش‌آموزی دارای شاخص‌های کمی معینی مثل ضریب هوش و نمرات بالا و... است که میزان فرهیختگی را معلوم نمی‌کند و با تحمیل هزینه‌های گزاف بر خانواده‌ها، مشغله‌ی اصلی خانواده‌ها را تامین وضعیت تحصیلی فرزندان کرده است.

هم اکنون فیلم‌ها و سریال‌هایی با موضوعات خانوادگی پخش می‌شود، ممکن است هر یک از فیلم‌ها مشتمل بر محرمات شرعی و ترویج مفاسد اخلاقی نباشند؛ بنابراین نمایش و دیدن هر یک از این برنامه‌ها از نگاه فقه فردی بدون اشکال است؛ اما از نگاه کلان و مدیریتی به فقه، چون موضوع بیشتر این برنامه‌های نمایشی اختلافات خانوادگی و خشونت بوده است و مطرح کردن این موضوعات در این مقیاس، خود به توسعه‌ی معضلات دامن می‌زند، در این شرایط وصف جدید یعنی ترویج فساد در روابط خانوادگی که وصف هیچ کدام از برنامه‌ها نیست بلکه وصفی است که بر مجموع و کلیت برنامه‌ها عارض شده است. (ر.ک زیبایی نژاد، ۱۳۹۰) ولذا باید در این برنامه‌ها تجدید نظر صورت پذیرد.

رسانه در حال حاضر توانایی بازنمایی خصوصی‌ترین مسائل خانواده را داراست پس می‌توان از این قدرت در راستای آشکار کردن ابعاد صحیح یک خانواده‌ی آرمانی و متعادل گام برداشت. شبکه‌های مختلف صدا و سیما نیازمند ایجاد شبکه‌ای از ساختارهای خانواده محور

هستند که تمام برنامه‌ها را از نظر محتوا، زمان پخش و گروه‌های هدف (کودکان، جوانان، زنان و مردان) با اهداف بلندمدت خانواده تنظیم نماید (علاسوند، ۱۳۹۱: ۱۱۷۰-۱۱۵۹).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سند ۲۰۳۰، علی‌رغم ادعای تدوین‌کنندگان که آن را پاسخی برای برطرف کردن مشکلات پیش‌روی کشورها تا پانزده سال آینده معرفی کرده‌اند، سبب ایجاد بسیاری از ناهنجاری‌ها و بحران‌ها بر ساختار خانواده در جوامع هدف می‌شود. مغایرت‌های اساسی در اهداف و آرمان‌های سند با غایت جوامع اسلامی وجود دارد. هر کدام نظام خانوادگی متفاوتی را دنبال می‌کنند. این سند با مبانی که بر آنها حاکم است؛ انسان‌ها را به قرب‌الهی که مقصد اسلام است و تشکیل خانواده توحیدی، نمی‌رساند. از جمله این مبانی، اومانیسیم، سکولاریسم، عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی ایست که جایگزین خدامحوری و حاکمیت الله شده است و به فرد-گرایی و حذف رابطه‌های خانوادگی می‌انجامد. سند ۲۰۳۰ مدیریت دستاوردهای آزادی لیبرالیسم، همچون افزایش ای‌ذر، بیماری‌های مقاربتی، بارداری‌های خارج از چارچوب خانواده، تجاوزات جنسی می‌باشد.

بررسی تأثیر سند ۲۰۳۰  
بر خانواده با رویکرد  
فقه حکومتی

بهترین راه برای کشورهای اسلامی، تدوین نقشه راه پیشرفت بر اساس آموزه‌های اسلام است که بر مبنای شریعت اسلامی و نگاه حکومتی به فقه نگاشته شود. اجرای ناقص برنامه‌های اسلام به صورت فقه فردی، با توجه به اینکه قوانین اسلام به صورت شبکه‌ای به هم پیوسته برای رسیدن انسان‌ها به سعادت حقیقی می‌باشد، سبب القای ناکارآمدی شریعت می‌گردد. درک کلان و اجتماعی از شریعت توسط فقه حکومتی منجر به ارتقای وضعیت کنونی آن و جوابگویی به تمام نیازهای بشر در هر عصری خواهد شد. رویکرد صحیحی و جامعی که در فقه حکومتی تدوین می‌گردد با اجرایی شدن در جامعه به حل بسیاری از مشکلات خانواده منجر می‌گردد.



## منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، جامعه شناسی خانواده ه ی ایرانی، تهران، سمت.
- اسلیتر، شارن (۱۳۹۷)، تحلیل برنامه توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد، تهدیدات مخفی برای زندگی، خانواده و فرزندان، ترجمه [www.makarem.ir](http://www.makarem.ir) شماره ی سند: ۲۰۳۰-۲۰۰۹.
- پیروزنیک، مهرناز (۱۳۹۶)، سند سازمان ملل متحد دگرگون ساختن جهان ما دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، تهران، صندوق کودکان ملل متحد در ایران و دفتر منطقه ای یونسکو.
- حکمت نیا، محمود (۱۳۹۰)، حقوق زن و خانواده، ج ۱، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۲)، لغت نامه، ج ۶، تهران، چاپ خانه مجلس.
- زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۰/۱۰/۱۸)، فقه حکومتی و برنامه ی راهبردی در حوزه زن و خانواده، شبکه تحلیلی نخبگان.
- علاسوند، فریبا (۱۳۹۱)، تعامل خانواده و دولت، اندیشه های راهبردی زن و خانواده، دبیرخانه نشست اندیشه های راهبردی، ج ۲، چاپ اول، تهران، پیام عدالت.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر ارتباطات، ترجمه: حسن، چاووشیان، تهران، طرح ۲.
- لوئیس، کوزر و برناردز روزنبرگ (۱۳۸۵)، نظریه های بنیادی جامعه شناختی، فرهنگ، ارشاد، نشر نی.
- متولی امامی، محمد حسین (۱۳۹۴)، جستارهای نظری در باب تمدن اسلامی، ج ۱، قم، نشر معارف.
- محدث قمی، شیخ عباس (۱۴۲۳)، الغایة القصوی فی ترجمه العروة الوثقی، ج ۲، ج ۱، قم، منشورات صبح پیروزی.
- نقی پورفر، ولی الله (۱۳۹۱)، جایگاه نهاد خانواده در سیاست گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی، اندیشه های راهبردی زن و خانواده، دبیرخانه نشست اندیشه های راهبردی، ج ۲، چاپ اول، تهران، پیام عدالت.
- <http://www.americasquarterly.org/charticles/socialinclusionindex2014/overview>.
- [http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Women/WRGS/SexualHealth/INFO\\_LGTG\\_WEB](http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Women/WRGS/SexualHealth/INFO_LGTG_WEB)
- [http://www.bzga-whocc.de/fileadmin/user\\_upload/WHO\\_BZgA\\_Standards\\_English](http://www.bzga-whocc.de/fileadmin/user_upload/WHO_BZgA_Standards_English)
- <http://www.un.org/esa/socdev/unyin/documents/ReportonSWAPsurvey>

